





۱۳۱۲

سال یکم

اسفند ماه ۱۳۱۲

شماره هفتم

دائرة: کسروی بشری

این مجله ماهی دو شماره چاپ می شود

۴۰ ریال

هفت سالانه

۲۰ "

شش ماهه

در بیرون ایران به علاوه ۱۲ شلنگ و ۶ ماهه ۶ شلنگ

جای اداره: خیابان شاهپور کوچه انقاپوچی باشی

شماره ۱۳۱۲

مطبعه

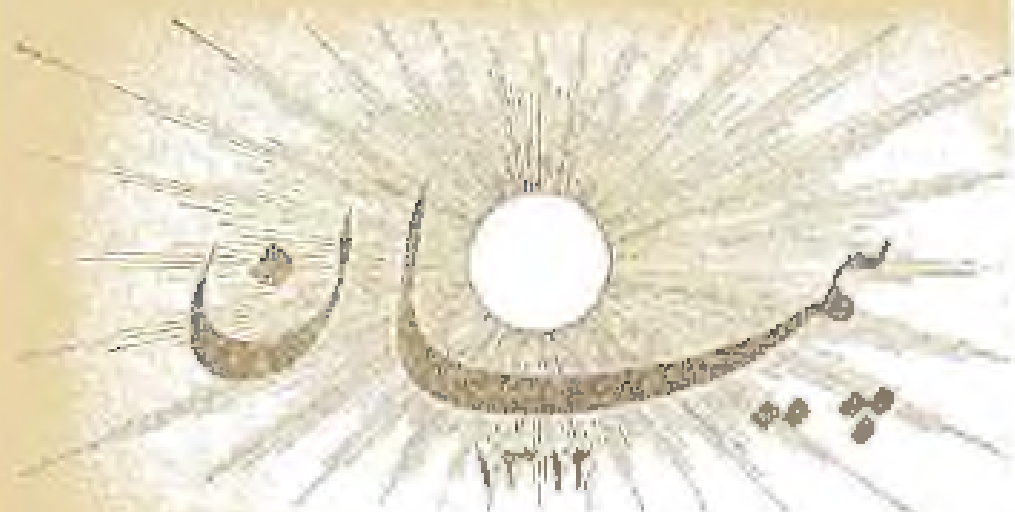
فهرست آنچه چاپ شده

۶	پیمان	گزارش شرق و غرب
۸	آقای گبروی	خردها امروز مستی گرفته
۱۲	و کمتر نوبتانی	آیین تمدستی
۱۸	آقای گبروی	گفتگو با حتم سبح
۲۳	"	سکه شناسی
۲۵	آقای خواهر الکلامی	انتقاد کتاب خاندان نوپانی
۳۰	پیمان	خونی‌افشان با زردیله رود
۳۱	"	غلام‌های تازه
	(کتاب)	تاریخ با صد ساله خورستان

تمایذ گان پیمان

آقای روح الله خان صالح	پیر خند
آقای حاتمی وکیل رسمی عدلیه	نیر
آقای میرزا علی خان خواهر الکلامی	تصفیه
آقای میرزا محمود خان کرامی	مشهد
نیرنگ‌خانه یکتا کرامت	وشت
آقای میرزا علی آقای دایم	کسگرود
وحدت شاهی تنه‌بیر زامی	بانی
آقای فیضی	اردبیل

رسیدهای افکار و آقاخان فرستاده شده کتابچه وجه اشرف خود را به تهران فرستاده اند در آنجا پرداخته رسیده رسمی را دریافت کنند.



سال یکم

اسفند ماه ۱۳۹۳

شماره هفتم

گزارش شرق و غرب

۱ - «دسواپی واپون» در فرانسه

دانشان واپون در فرانسه بود که نامه پندرونی را منتشر کردند:

«مردم فرانسه حتی دارند که دایره این کار را درها نبرکت شد. در تاریخ

نزدیکاً کلاهبرداری و دزدی این دسواپی پیدا نمیوان کرد. این کار بود.

از روی تداوم دولتی فرانسه بر داشته شدن دارد که ادارات آن به

دولت اخیر به شک آسایا نیز دارد که با چندین طرفه و دزدی از دست

بسیار گمی دارد.

خبرهایی که در شماره گذشته آورده بودیم از آن است که در

بود. پس که روزنامه‌های اروپا رسیده می بینیم گفته بود که از آن

است که از آن‌ها فهمیده می‌شود که آنها روزنامه‌های فرانسه بسیار از

روزنامه‌های دیگر ممالک آنها نیز حقوقهای خود را بر اخبارهای آن

دسواپی ساختند و تاریخچه زندگی شخصی و خانوادگی افراد و

کرده خطای را بیرون میریزند که اگر بماند شکفته و شکریه می‌اندازند.
 برای استرسکی جهود رسمی بود که گفت بخواب و صبح
 آنجا بدار و صبح جواهر برداشت. دردی یکی از صاحب و صاحب
 ترانه جواهری از تو میخواست که دیده و آزموده مقداری را ببرد
 و به یک یک جواهر از او بخورد و دیگران نیز نموده صاحب صاحب
 می‌شد ولی دیگر روی آن جواهر ها را نموده از فشار اندوه و
 رنجش خود رهایی می‌گفت.

پس اماتوریل استارسکی در یک شده به دستگیری می‌بردند
 و آنرا دستگیر می‌کردند تا مشکلیکه پسرش الکساندر استارسکی
 قهرمان این رسوایی من جوانی می‌رسد از دوزخ نجات یابد او که خبر داری
 بوده چنانکه بارها در عذایه می‌گرم بهیچ شده.

یکی از کلاهبردارهای بزرگ در سال ۱۹۳۶ بوده که به
 مایون فرانک کلاه برداشت و بگر افتاده بود. ولی مشکلیکه همراه
 با او از دست مستطقی بر می‌گشت که دست پایشان گرفته نداشت می
 بود و هر چه جستجو می‌کنند دست نمی‌آید. مستطقی پدر او اماتوریل
 و داسلا را مستطقی میخواند که پرستشهای از او بود و او را نصیحت می‌کرد
 می‌کرد و باید از دهکده او استفاده نموده الکساندر را پیدا کنند و بپای
 اماتوریل که همیشه شرمندگیهای پسرش بود و از این دهن مستطقی
 شرمندگی آن هر چه بیشتر می‌کرد فشار اندوه و رسوایی طاعت
 می‌کرد تا گمراهی که در سر خود جای می‌دهد و پشیمان بر آن
 رسوایی آسوده می‌شد که فردا روزنامهها طاعت خود کشی او را با همه
 کلاهبرداران پسرش شرح می‌دادند.

اما الکساندر که از دست پشیمان گریخته بوده او پروای هیچ

چیزی را نداشته باشد بلکه نامورین و خوشحالی او و اندکی دیگر دندو
دوستانها دستن خود گشتی بدش را می پوشند خود او به بدستی بران
و بعد مشق نقشه گر بخت از فرانسه را به بر بخت و برای آنگه پیش از و باج
و جدایی روزی را با درشتن بخوشی بگزارد چنین بود که می آید
بوده و در همین جتن بود که نو با دختر بسیار قشنگی نام آدریسیمون
آشنا گردید و آن دختر است که امروز به نام اوام شناخته می پند آکرده و به
چهره از آنگه اندر دارد

پس حال آنگه اندر دوباره گزیده شده برندان فرستاده می شود ولی
چند روز بعد در زندان نمی ماند که بدست از داخل خوشی بعنوان ازادی
موقت بیرون می آید و در زندان این آزادی برانی است که تاجر خانه ای
تاجر می گزارد و با اطراف خوشی رابطه پیدا کرد و به بسیاری آنها
بکلیه در می آوری که با او با شده و به یون خرافات پول مردم را زورده
موفق می شود

آنچه مردم فرانس را آتش زده و دیوانه ساخت است که جرمی
که به دستور ناخوشی و بعنوان ازادی موقت از زندان بیرون آمده بود
چگونه دوباره او را دین آکرده و زندان برنگردانده اند؟ چگونه چنین
کسی که پیش از جرم کلاهی زیادی سپس شده و غذا اعتداده نموده و
دست او را در کار زنده میون باز گزاردند اند ۱۲

و آنکه چگونه با کسی داشته شد، پاره دوسیمانی به حکومت
استواری از بین رفت که جرمی نشانی از آن بازمانده
گذاشته و اینها گویا از روی قانون فرانسه محکومین برای
هر گشتی را در دوزخ دوزخ می کشند لیکن محکومین های

استوئیکسی در دقیقه ۱۰ قید شده. به است که دقیقه ۱۰ به حال
و عنوان دارد ۱

این پیش است که اگر معدنی اوزان دو کار نبود استوئیکسی
می توانست طلب آتی برنگی را پیش برد و چندین جلی کار شود
خبر ده نگاه دارد و سر دم فرانسه علی مالد که روزی از خود بی اعتماد
جده آغان را بر مالداری نمی پذیرد

پیش از آنکه گایه شوکان یافته نموده جوانی در پارلمان حاضر بود
خاطی در این باره کرد که پارلمان را به چنان آورد. گفته بودم خبری
از جیب سیاه کنان از بود کن و می توان آن فرانسه بدست. از جمله
چنانکه در خبر علی از آنها خواندیم او دوموئری وزیر و مالد و یول
می نگردد وزیر امور خارجه گایه شوکان را می بیند می ساخت که یول
استوئیکسی انسانی دارند ۲ در قضیه است داشته اند. و چنانکه خواندیم
دوموئری که این حکام ستری و در حال حاضر خوانده بودند و تعلق خاطر بود امر
گرفته بحال تب پارلمان شهادت و به خاطر بر خورده اوزان اهل خوانست
اما یول می نگردد اوسدی کرد که با عاقل استوئیکسی انسانی دارند
ولی وقت آن انسانی دوستی است که میانه او و پدر مادام استوئیکسی
بوده است

میسو هریو پیشانی حزب دیموکری که پارسی جفری پرستان
کرده چون باز گشت خبرهای بسیاری از پیشرفت کار با استوئیکسی و از
آرامی مردم در دوستان اشاد جاد هاریو در خلق خود نام او را نیز
برد. بدینان که گفت دومی میو هریو هم را می بود و یولی و استوئیکسی
بر ستودن بر خه و تعلی با هم خورده اند و استوئیکست که چه گفتگو
در بهانه روی دادند

مسوهریو این خبر را تکذیب کرده ولی چنانکه اتراسها نیز خبر دادند پارسال در هنگام اشتباهاست اسلوسکی چونکی صلوات نموده که بفتح حروب تا دینکال بطرح رسیده و این علت دیگری برای بدگمانی در بدو مسوهریو است.

باری روز بروز بر سطحی جیش مردم افزوده کار بانچارمید که ریتلیدی وزیر عدلیه را بعنوان افعال در خطب مجرمین مقصر دانست و او ناگزیر از کتاره جویی گردید و بیانی کتاره جویی او کایه یز افتاد.

شوتلن رفته ولادیه بجای او آمد ولی جوش و جیش مردم بحال خود بود بلکه فروتر می گردید بدحو اهل دولت از رسوایی بیون و از اشتنکی مردم استفاده کرده آیه شورشی می دهند ... ولادیه وعده می داد که کایه او ادارات را دست خواهد کرد و در همه آنها کار کاردی و توانایی خواهد گذاشت.

این نکته ازیر و مگر ابدالادیه در خود توجه است کامی گوید اما باید به تریب قدیم مالی خود برگردیم و بجای این عاقلین بیج در بیج باقلین ساده و آسالی را در دست داشته باشیم که هم کار آن از روی نظم باشد و هم زمینه برای این اندازه نادرست کاری آماده سازد.

مثلی است می گویند: «عقله ملا دروش خود ملا را آتش می زند پروش دیگران را». آن زندگانی مرد در کم غروب که خود غریبان از دست آن فریاد می کنند نو شوقیان را پس که در راه بر گزشتن این زندگانی چه تلاشی دارند و چگونه همه چیز خود را اقدای آن می سازند این داستان استلوسکی نشان داد که آن ادارات عدل و بهر فراسه چه ارزشی دارد. ولی در مشرقی برای منسحق اداراتی نظیر آنها به هر روز

و آنها خرج کرده و سه دست سوار از اروپا میخواستند
 ما در باره گرفتاری های اروپا آنچه گشتی بود در جای خود
 بحث ایم. پیش از آنکه داستان امپریسم را رو بدهم و بر حاشای روی
 کار ادارات اروپایی بر دلم ما حال آن ادارات را می دانستیم پیش
 از آنکه مسمو دالاده اوضاع مالی فرانسه را سانسیت بیج در پیچش تشبه
 نماید برای چه کسانی آن اوضاع برده نظیر همان هاستد ا بکار برده
 ویم. ولی چون کسی از طرفین چندان فرقه غریب می باشد
 که پس فتنه و بیچگونگی داخلی در پاره ایها دارند و هیچگونه میلی
 در این موضوع نمی پذیرند برای اذاع از آن است که ما گفتیم
 دالاده و هاستد آن را چگونه می آوریم.

این کوپری را غیرت ما بر سر آمد که ما را بیان تا آن گرفتاری
 کسانی در شرق آرزوی حال آملن را دارند.

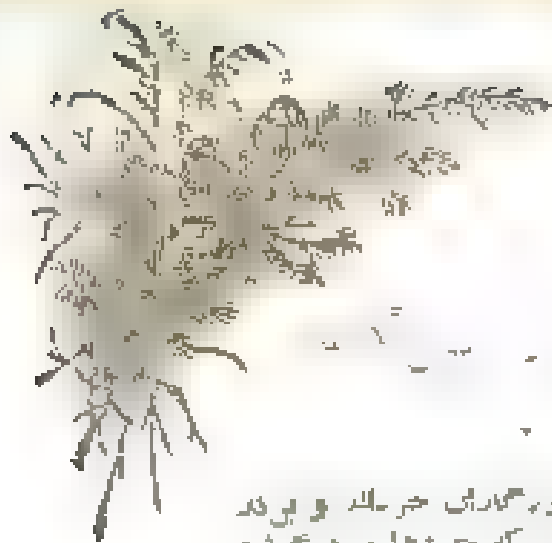
بسی گویم شرقیان حال آرزوی خود خویشند بوده به بشریت
 بر تغییرند. می گویم اقلان از دال آریا را بشریت حساب نکنند.
 بازی دالاده را پیش از این فرصت نشد که کارنامه خود را بدارند و بدارند
 و برود گرام خود را در اینجا بخواهد. از طرفین این دوزخ خویش خویش
 و دوزخه کار و اینها میم و او که کاره خویش ساخت.

اما داستان خودش چون منظور ما نکند و خبرهای آنهاست
 که در پارلیمن قضا می نمود از روی دوزخهای اروپا دست آورده
 با خود داشتند خود و برادر آن بنگریم بهادت دیگر منصوب و اجاره
 از این فتنه است لا اقل بهادت این داستان را بشماره دیگر دانی گزافیم
 که دوزخها برسد.

روغ و نه پورې دات و نه باله بکته کور اده در جو و نه
هر کي ار دودوت هم د اده رو مده و آرهش مي نه ا حال
دالت شوران سحت بکراي ست و بکراي شته اده کلر په ر ست
پز ا نطقه و نه و آما ده گي خود را خسته بش مون متي مي ده
هون مده و و نه بکراي حثک را و نه ناهه چپ نه و نه
هم اده ناس نطقه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
که و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
حده را مش خو ده آورد

ن شکسته که با این حال
و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
جو شد بود

و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه



و اگر چه که در این کتاب
از هر یک از اینها چیزی
نویسیده است و در بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی

مردمان و کسانی که بودند
و بودند که اگر چه در بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی

مردمان و کسانی که بودند
و بودند که اگر چه در بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی

مردمان و کسانی که بودند
و بودند که اگر چه در بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی

مردمان و کسانی که بودند
و بودند که اگر چه در بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی
مکانها نیز از بعضی

مرد بدبخت آنان می شناخت خوش و خوش مردم را بگوش اورسانیده
اگر بر ناکاری هم بود زبان اسکویش ستم دادند از بار می بودید

از هر سو که نگاه می کنیم مردم روزان گشته اند و خوش و خوش
های بد و بدکاران دورا آب شمرده و آب جرو و پد - حد گیری
و بدبختی می شناسند و بد بختی که مردم مردم از او بدجو و بدجو
و کینه اند و بدی خود نام مناسب از من بر سر داشته اند

به دست که ما حتی سستی درستی خود را می شناسیم اگر
خود را سستی ندانست گفتا می گاهان که نیست حیالده بی کجاء
امروز هم که بودی و بدو یکبار تندی بر می کنی و تندی بر می کنی
۲ - بختی خود را خوب خبر گشته شمرده شمرده شمرده شمرده

«حکیم نمی رانی شده بدو هر دو در روی روح او را مدتها به تحقیق
۱ - بدو این چه حقیقت است که گاهی بدبختی گفته شدن بگفتی
دیدی را از این بر بدبختی و بدبختی را آغشته خون ساری و بد بگو و بدی
خبر خود می بدید شده از سوی بدی و بدی و بدی و بدی و بدی و بدی
بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی
داده بر می بدی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی
بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی
بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی

۳ - خود بد بختی را می بینیم که گشته مردم بد بختی و بد بختی
کدام بختی بد بختی که زنده تر این سستی است «آنان آرام و بدی
بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی
بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی
بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی بد بختی

۲- بهبود ای آر گذشتار را

دلی مصمم کہ بی ادبیرین مردی جو وہ وقت پسے اور ایں سے
کہ پسرش و بکر لڑا روشن پر منہ کرے ناخنہ و ۔

آپ کے منظور میں اس قدر اہم

چهار و شش نه بر منضم سوخته است

عبدالاحسن می‌زد بهانه مردم آن زمانها و اند به حیرت آن
مردم است. بود هر چه صدی این بی گفتگو است که هر کسی را
- بگناه خود از دادگری برادر را جز بگناه برادر بر تو

...the

۲۰۰۰ : آوا بنگه شهری را گسترش می‌دهد و باجه و بلیت‌فروشخانه

آنچه که از نوشته های ما جنگاوران و از شعر های شاعران و از
کتابهای پست می آوریم مردم ایرانی به آفت کارهای دلگیر
و کم آن عافیه اند و از پست که پس از آن زمانها کسانی علم از

1. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 2. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 3. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 4. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 5. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 6. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 7. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 8. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 9. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$
 10. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$

[illegible]

۱. در زیر پوست در طرف معری غده‌ی وجود دارد که از آنجا خون به سرخ - سرخ را اگر پوست سر علامت را بپوشانند مواد سرخ شده غده‌ها را در زیر وجود رنگنداشت علاوه بر آنکه مقداری کثافت بر آنجا جمع می‌گردد گاهی بر توده زخم و سوزش می‌کند و همچنین قوه را در آن کم می‌کند.

نات - پوست که بریده شده باشد در هنگام جدافت کثافتاتی که در طرف موجود است وجود جلب کرده و بر سوزش زیاد دارد زیرا که در موقع شستشو پوست قوی عقب می‌گردد تا کثافت بر طرف گردد.

معمولاً ممکن است مکرراً و بارها و بارها (در پوست جمع شده تولید می‌گردد) ابراز را احاطه - چنانچه اگر آن مشاهده شده آنهایی که پایش است می‌توان دید که در آنجا در آنجا بین بیمارانی می‌گردد مثلاً منور و در موقع ابتلا هم بر روی مانع می‌گردد و بهین علت که پوست در غده‌ی مایع خوب نشسته و بدن و در بدن می‌باشد را با حاکم نگردد پس موجود بودن پوست و در غده‌ی مایع - علامت سبب می‌شود که در غده‌ی مایع پوست مانند غده‌ی مایع در آنجا حاکم و در آن طرف عقب شده و در سطح بر علامت و در گرفته و می‌باشد.

برعکس هم گاهی همین پوست غده‌ی مایع و در علامت‌ها منور می‌گردد و در موقع سوزش و در غده‌ی مایع و گاهی غده‌ی مایع جمع شده و در بزرگ می‌گردد که باعث تبیلی مجرای مایع می‌گردد و در آنجا بون سطح و در طرف مایع می‌گردد.

اینها سرزدهای حاکم نگردد و در مایع است، اما حاکم نگردد.

مفتی محمد باخان سیاح

حواله گرفتن تنها ظاهری دارد و در واقع برای عنوان نهادن به آن
حجت و حلاله‌ای من شریعت و من خوله گرفته‌اند. اگر چه هر یک از این
مفکین آن را به این جهت قبول می‌کنند که این یک نوعی من گوناگون می‌باشد
و هیچ کدام در این نگارنده‌ای شده‌اند که هر یک از این دو نوع است که این
هر دو نوع چیزی که است و این دو نوع هر یک از این دو نوع است که این
یک نوع است که این دو نوع هر یک از این دو نوع است که این

نفس من نکتہ را نیکویم کہ من دانا را جز جبر ہیئتہ لیلایم
اسناد تہذیب گاہم جو این جوی را بہی نہادہ - ایستل آن غریبی خدایا بہ
وقت دلہب خواہد و نہ بلکہ بیکر تہ آگاہیہا را تواریہ رہایہ نگاہی افراہبان
خوشی دارد اسنادہ سوختہ - ہم رہن نگاہیہی جویہ سر ہیجک - راضی و
آگاہیہی تہذیب تواریہ دانا را خواہم تہذیب جہا تواریہ رہتہ رہیہ نگاہ
کنکہ جو ہم کردہ

این محیط با سه طرفه‌ای مستطیل شکل که در آن یک ضلع آن یک طرفه
در بالای آن قرار دارد و در آن یک ضلع آن یک طرفه است و در آن یک ضلع آن یک طرفه
است. این محیط با سه طرفه‌ای مستطیل شکل که در آن یک ضلع آن یک طرفه
در بالای آن قرار دارد و در آن یک ضلع آن یک طرفه است و در آن یک ضلع آن یک طرفه
است.

بردمین جیسے ایک پابندی پرکاشی خود زمانہ آگے بڑھتا ہے

از ایضا بسببی که می‌دانیم من در آن مقامی خود رسیده‌ام که
تب جفا را می‌بینم و از بدو خود دروغی را می‌گویم که خود را
برادر است. در کسانی این کار بر می‌آید و به سبب آن آب دین را
می‌خورند. در این مقام خدا یعنی بر آب پرش خود این رسم دیگر
و یکی که اویس و قلنی را می‌گوید و یکی که می‌گوید و یکی
که می‌گوید و یکی که می‌گوید که در این مقام این رسم را می‌گوید

کنکود من بر این کف از پنهانی دلم - بن بستن سوزن فریضه‌ای دارد که
میراث عترت را کج ساخته سوز از پنهانی گرداند و بی تو درون پند و
بماند - و بر تاریخ نام آن خدای است که دیده است - خدائی که بوی تشنه
تاریخ بستاید بود .

چراغ دیگر ما بهرانی آینه خانه اشین و دامن آن میگویم
که روحخانه لبه‌ها خردی که سوز روی داده و تاب روی دهد هر پندار
- - - - -

دهد که پندار دانه میزند که لوحی کبک کنی ده خرد تومان پول در
جبه خرد دارد کسی هم بسته فلکین به خرد تومان ده در دل خود کسره
آن یکی تاریخی لب روی داده و این یکی تاریخی لب که تپ روی دهد -
مش دیگر کسی نگر جان مردی چیده میگوید - توست ارمایه -
مرا سوره‌های دیگری هر نگر جان مردی چیده میگوید - و می‌شود که بوند
تو من بوی مرا بخورده - آن یکی چهره در خانه - آن یکی چیز است که
تند روی دهد

خویشی که بت خاستار باز جبه از بهجت لبه که آن دامن روی
هاند اگر سبلی حق آن بگریم - اگر چه گدای تو می‌گذارم اگر گدایی در
که بر آن مستولت‌ها به می‌سیم یا می‌گویم - اگر ن را حیه هرید می‌دارم
خدا به این سوز لب که آن در سوز رویداده دلش که روی اند و هر
در داشته دینار بنده آن نویسی وجود بگوید چنین خاستانی هیچ آری باز به
تلا می‌کشی در سینه از های سیاری و آن - - - - -
می‌باشد دستان او بسوز و چون شیه هر پنجا و سه از گوشت هر کسی
هر کشته طریق فرستاده کشته شده و با مطوم می‌بند می‌کند کشته را به کشته
گدیده گیر می‌دهند بسته سوختن او مرا بکند گاز او می‌بند و دیگر
اینگونه آید

وای بر خاستار به که خلاق کی ساد آدم نکند - تو تواند آدم نکند
هیچ آری باز بهجت چنانکه بر سوادتی که ما در دوا به می‌سیم آری
مقصود خود را درش و لازم در خواست هوا است که
ایستاده و به شد تا تاریخ شمرده شود و تو خدای و آن - - -

به دست می آید هر آنی که جوهری در دهنش می بیند و سرگرم می شود در
 خوردن و چاشنی می خورد و غذا می خورد گرم این اثر طبیعت است و نه
 دهن می تواند که آن را از دهن برساند

و به نظر می آید که مصلحتش در دو ظاهر است مصلحت خود است که جوهری
 که در دهن می بیند و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 آن جوهری است که در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد

حق می گویم این دهن را در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد

و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد

چون در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد

و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد
 می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد

و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن می خورد و در دهن

مجلس

سنة شامی

حاج میرزا حسن خان سید و آقا میرزا حسن خان
با جمعی حشده از سگده های دود. های اشکای و سیاسی و زهدی اسلام
و ... در ...
بر خورده و آن مطالب را پیدا داشت کرده اند ما در اجتهت که این
کسروی بر ده آن چه خواهیم کرد و از این شعله های
کانون می برداریم

۱. دعوی خلافت از شاه شجاع

خلافت بر چهارت دیگر داشت یعنی سلطان شاهی دارد که با
دره سیاسی آغاز شده و ملت موافق بوده از دین و آقا از اسلام حایفه کسی
بود که مردمش بر عهد و روان شده پس خلفه کسی شد که در طایفه در بند
بوده و اختیارش از هر یاره در دست امیر راه باشد ششده سال بیشتر تفریح
ایران با جهان خلافت و حاکم آید است بهم است و زمان در روی رفته
اختیار خلافت دست بر میان بود و ...
و اسرع بخنداریم که با روی خلافت افتاده باشد



بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين -

ابوبکر بن محمد بن علی

در ۱۰۰۰ - امیرالمومنین و امیرالمؤمنین -

خداوند ما را که - الا و یا - صریح یزد

دلی چنانکه از این سکه پرسیده است شده شجاع چسب آورده و
کرده و بست که سکه امیرالمومنین شام خود برده است و در آن
چسب مطامی و از شاه شجاع باز داده آمد پدر او و بعد از آنکه
باستعداد بالله بویگر عیسی که در حضور من برست و از او هم حالات
به نام آری شجاع بود و بعد کرده بود و بعد از آنکه با او هم
با نام بر او داده است و در آنجا که سکه سخی
یا کاری در زمان خلافت و طایفه در گناهها دیده میشود

مستوان بنده است که او آری وی خلافت افتاده ولی زود از آب
پشیمان گردیده و است که خصیبه شهرت یافته و گناهها مانده و این
سکه ها که در زمان آن آری زود زود بودند از سکه ها که خود
از چسب آری که شده دیگر از جمله خانه او نامی آری و در میان گناهان
و این سکه را یکی از این چاهوسان که حاکم برده بود زده است ولی
در آنجا که در است و گمان است که در آنجا که در است و گمان است

کتاب که در ۱۹۵۰میلادی که در آن سال در شهر مشهد کتب
 که در ۱۹۵۰میلادی که در آن سال در شهر مشهد کتب
 و ژانر آن از این جهت ترشح نموده و مقابله و بر مبنای دیگر
 ذکر و کتاب

مؤلف که نائب خاندان و مؤلفی این بوده و در باب کلیه باهالی
 فرق شیعه و مشرک و مقدس آنها یش گزیده (مستندنامه ابن حشام
 بن الحکم از اصحاب معبر حضرت صادق (در سن ۲۶۷) و هشتمه باح
 هشام بن سالم دو لایحه از اصحاب موق حضرت صادق در سن ۲۶۷ و
 یومیه شایع یوم بن عبد الرحمن فی از مشاهیر اصحاب حضرت
 رضا در سن ۲۶۷ و غیر آنها که در آنجا هر یکی گفتگوی معانی
 متعصب را نقل نموده و بی نیست آنرا یک شصت و هفت

برای تدوین حال در آن و هشام بن الحکم و هشام بن سالم و
 یوم بن عبد الرحمن و عبد مکعب شصت و هفت از سن رجال کبرای اهل
 و شهرت طوسی و مشهور به حال این عینی و رجال کثیری و معانی و
 غیره خارج بود

این رجال از جمله مدارک خود و مردن آنای اقبال کتب
 و ادب است و این قسمت از کتاب مؤلف مزبور میتوان اعتماد کرد
 چنانکه برای نمونه و مثال شرح نوی را ذکر نمودیم
 سوا هر الکلام

قول اوژن - پاور به رود

از جستجو در منابعی شهر ها و دیهها پیداست که چندی از کتی
که بر روی پاور آلودها و رود ها و کوههاست بر سه نامهای یارسی
است که آن آلودها و رود ها و کوهها پیش از در آمدن ترکها داشته اند
و آنکه ترکها در آلودها که شعبه می گرفته اند اما اگر نام آنها معصوم
روشنی داشته اند اما در جستجوئی کرده اند اما از آنجا که نامهای هاشمیه
حوا و ایلتور آماج و هلمتی بولاج و هلمتی بولاج و دولانی می
باشد که در غلغله بر آب آنها نامهای آب باران و بکه دار و بکه گرم
حوا و بکه دروغانی و بکه دروغانی را داریم

همه کارهای پیش از ترکها در آن کرده بودند -
کتابهای عربی و یمنی و سبکها که گویا آن و سبکها که گویا آن و سبکها
می باشد و در دیون و دیهها و دیهها و دیهها و دیهها و دیهها و دیهها
الکلب و دره یمن و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح
بگویی و نامهای که ترکها و دیوانی و دره الماح و دره الماح و دره الماح
دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح
دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح

دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح

دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح
دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح
دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح
دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح و دره الماح

مقدمه

۶

کانونهای یادگیری

در حال حاضر، هر چه در مورد یادگیری می‌دانیم، عمدتاً از طریق تحقیقات در زمینه یادگیری در مدارس و دانشگاه‌ها به دست آمده است. اما در مورد یادگیری در محیط‌های غیر مدرسه‌ای، مانند کارگاه‌ها، مراکز فرهنگی، و مراکز اجتماعی، اطلاعات بسیار کمی در دسترس است. این کتاب به بررسی یادگیری در این محیط‌ها می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است. بخش اول به بررسی یادگیری در محیط‌های غیر مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟ بخش دوم به بررسی یادگیری در محیط‌های مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است. بخش اول به بررسی یادگیری در محیط‌های غیر مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟ بخش دوم به بررسی یادگیری در محیط‌های مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است. بخش اول به بررسی یادگیری در محیط‌های غیر مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟ بخش دوم به بررسی یادگیری در محیط‌های مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است. بخش اول به بررسی یادگیری در محیط‌های غیر مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟ بخش دوم به بررسی یادگیری در محیط‌های مدرسه‌ای می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است: چگونه می‌توان یادگیری را در این محیط‌ها بهبود بخشید؟

استان می باشد که حاوی اراضی عام استان و کادوس نامی دیگر که قالی می
بدل شده میان نام کادوس و می باشد چنانکه این موضوع بر دین می و متاسی
ایران روشن است.

ولی موضوع دیگر چون نام این مردم و اراضی نامی استان بر این اراضی

اروپایی نیروی دو قسم از این اراضی به سمت شرق گشته و مکان یکدیگر را
رسیده و شهرت یافته است که نامها که را شکل معری بر این می خوانند
چون از چگونگی کار آن و از یک شکل قدس ۴۱ و کادوس و بود که امروز
و قالی و مکرر به آگاهی شکل از این جهت نامی بر چهار گردیده و پیدا کرده
که آن مردم استان بودند و به این نام و امروز نامی از استان نیست چنانکه
نامی در قدس تجریشی شریفان عرب بر زبان می آید.

لیکن چنانکه در گفتیم که نام کادوس و نام کادوس و که در کتاب
و در زبانها دیده می شود خط است و مگر شکل استان که بر این اراضی است
و کادوس و نام و اگر شکل مردمی را بخوانیم باید و نامی و حواص که در
آن و نامی و می شود (۱)

و آموخته کادوسان ارضان برجه و آموخته اند که میان مردمی اند
که امروز هم هستند و به نامی امروز می باشد.

(۱) در اواخر سده بی کلمه (نامی) معروف بود که در استان نام

مردم از اواخر کتابهای عربی و عباسی و می نام

شکست است که امروز در کتابهای دولتی نامی که نامی و نامی و
می بودند که از غنای سید رشت افاده شده و به نامی که در میان
۱. آن نام و نامی را نامی که می گوید و به نامی و نامی که می گوید
نامی و نامی را نامی که می گوید و نامی که می گوید.

کتابهای مورد نیاز

ما امروز داریم که این کتابها در هر خانه ای باشد و هر کسی آنها را خوانده راه تنفسی را بشناسد و بداند و مادران از خواندن آنها و ملایمه بدوی و مدرسی را درباره فرزندان خود بکند بداند :

۱ - چرا سوزناک و سفلیس معالجه نمی شوند ؟

تألیف دکتر تومانیان در دو قسمت : قسمت اول درباره ووزاک قسمت دوم در باده سفلیس

۲ - ایدز - سبب تولید و علایم و معالجه آن تألیف دکتر

تومانیان

۳ - فورمولر علمی تألیف دکتر تومانیان

۱ - دستور مادران جوان

تألیف آقای دکتر حبیبعلیخان قزل ایماغ

۵ - کلید صحت تألیف دکتر قزل ایماغ

۶ - کتاب سفلیس و سوزناک تألیف آقای دکتر پرویز صدیق

این کتابها را از کتبخانههای تهران و سایر خریداری نماید

...

از آقایان لطیفه گه کتابی در زمینه مدرسی و علاج امراض تألیف کرده اند خواهشمندیم که نسخه ای از آن را برای ما ارسال دارند یا نام آن را برای ما بفرستند که خودمان از کتبخانهها بدست بیاوریم و اعلان آنرا نشر نمائیم

هر گواه اعلانی در زمینه مدرسی که با اداره بسمان غیرمستاده شود ما بجای چاپ خواهیم کرد

اعلان از هامبورگ

قابل توجه آقایان تجار

اطلاعی خواطر محترم آقایان تجار را مستحضر میدارد که این افسد (اندرس)
 حسین زاده خونی) بنیم خدمت خود از این طریق به بدستگیری در امور و معاملات
 عدولت و زور حاضر است لهذا از هر غیرت اطلاعات تجاری را هم به نفع
 مشتری و در ارتقای خواسته باشد و اساساً به آفرین دهن مراجه گردانید که مال
 اعیان و موقوفات مخصوص خدمات مرحومه اتمام بجام خواهد شد و همین
 نوعاً تجارت خارجی هر قسم متاعیکه امکان صورتش را دارند قبل از نمودن اعمال
 و مبادی با اطلاعات اوستی سریماً داده شود

آدرس : هامبورگ - آلمان اندرس حسین زاده خونی

Adris Hussein Zadeh

Postfach 250

Hamburg 1

Allemagne

من از خان و میرزا یزازرم

(در پیش روی آنها تاریخ درخواست منظور می شود)

تهران

سید ابراهیم نوشین

"

سید احمد کسروی

"

سلیم ایزدی

رشد

علی آقا علیزاده

تهران

سید حمید بیانی

رامسن

شاهزاده امیر خسرو دارابی

تهران

احمد نویم

"

سید هاشم کسروی

تهران

فتح الدین قنای

آقای ایزدی یاد آوری کرده اند که از سال ۱۳۰۲ از خان و

میرزا یزادند و در روزنامه مبین اعلان کرده اند.

آگاهی

مادام دیجات (Madame Dejats) برضود موریک تحصیل کرده وین برای مشق
 زبان و تدریس زبانهای فرانسه و آلمانی حاضر است.
 آدرس: شاد باد کوچه «مدرس الممالک» خانه «میر احمد» پلته

اوراق پراکنده

بسیارچگونه آثار فانی آقای جناب زلفه را در روزنامه گوشتی و قشقی
 خوانده اند می دانند که این نوشته جوان دلزای چند الکلاک منون و عالی است
 و به موضوعهای مهم اخلاقی و اجتماعی را موضوع بحث مینماید.
 «اوراق پراکنده» مجموعه ای از مقالات و قسمت نوشته گرامر و سرود
 است که تقریباً از جناب درآمده مدت جدی و فانی وصال و ترکیبهای طهران
 - مرکزی - مهر - خاور - این مینا - معرفت - جودتی - میرسد از ولایت
 با اوسان بشن و زبان به آتش دل پیرایه نماید بود آ در شادمانی شود.
 دفتر روزنامه گوشتی - روح زلفه و حسن

نکته روشی دبستان

تهران	کتابخانه های طهران و خاور
سریز	کتابخانه سرودش
دشت	تجارتخانه و ملک کلام
اهواز	دارالو کاله آقای نقاشیه
رضایه	نزد آقای میر احمد حسین کمرانی
نسخه ای دوزیال (دو قرآن)	